

نگارنده ابن وقایع شادروان دکتر حسین خان کحال یکی از مشروطه خواهان مجاهد و صدیق و اهمیت این یادداشتها از آنجاست که وی واقعه هر روز از این انقلاب عظیم را، باشیوه ای خلاصه و ساده و بی حشو و زوائد، بهمانگونه که دیده یا شنیده، در تقویمی چاپی، بنحدریز نوشته است. بنا بر این از لحاظ جریان بیابایی روزانه اتفاقات و تاریخ صحیح وقوع آنها، جای هیچگونه شك و تردید نیست و میتواند وقایع نگاران و تاریخ نویسان راسد و حجت باشد.



استبداد صغیر

قسمت دوم سال ۱۳۲۶ قمری - سال بمباران مجلس و کشتن آزادی خواهان
(دنباله مقاله شماره ۱۱۵ و ۱۲۹ سال سوم)

یکشنبه ۹ شعبان ۱۳۲۶ قمری = ۲۰ شهریور ۱۲۸۷ شمسی = ۶ سپتامبر ۱۹۰۸ میلادی
مقصرین سیاسی (پلتیکی) که در باغ شاه مقید بودند چند نفر مرخص شده و چندین نفر را بانبار دولتی بردند و مستشارالدوله و روح القدس را باز در باغ شاه نگاه داشته اند.
سه شنبه ۱۱ شعبان ۱۳۲۶ قمری = ۲۲ شهریور ۱۲۸۷ شمسی = ۸ سپتامبر ۱۹۰۸ میلادی
لایحه ای از طرف سفارت انگلیس مبنی بر اصلاح امور تبریز و افتتاح مجلس شورای ملی بدولت فرستاده شد.

یکشنبه ۲۳ شعبان ۱۳۲۶ قمری = ۴ مهر ماه ۱۲۸۷ شمسی = ۲۰ سپتامبر ۱۹۰۸ میلادی
چون امروز موعد سه ماه تمام شده و شاه باید اعلان مشروطه بدهد و بهیچوجه آثاری پیدا نیست لهذا اهل بازار دکانها را بستند بلافاصله قزاقها آمدند و بزبان لین گفتگو کردند و دکانها باز شد و مردم بکلی ساکت شدند، روز دیگر بیست سی نفر از اهل بازار را گرفته بردند باغشاه

دوشنبه ۲۴ شعبان ۱۳۲۶ قمری = ۵ مهر ماه ۱۲۸۷ شمسی = ۲۱ سپتامبر ۱۹۰۸ میلادی
متدرجا مردم مشروطه خواه را میگیرند و بطور سختی میبرند باغشاه.

چهارشنبه ۲۶ شعبان ۱۳۲۶ قمری = ۷ مهر ماه ۱۲۸۷ شمسی = ۲۳ سپتامبر ۱۹۰۸ میلادی
سفرای خارجه مجمعی تشکیل داده و سفیر کبیر عثمانی را فرستادند پیش شاه. بعد
شارژ دافرانگلیس تماماً در خصوص امنیت رعایا بواسطه دادن مشروطه بود تا نتیجه چه
شود.

پنجشنبه ۲۷ شعبان ۱۳۲۶ قمری = ۸ مهر ماه ۱۲۸۷ شمسی = ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۸ میلادی
اعلان مهملی از طرف دولت شد که در نوزدهم شهر شوال انتخاب و کلانموده مجلس
منعقد نمایند و بهیچوجه چیزی از این دستخط مفهوم نمی شود که مقصود چیست و چه
میخواهند بکنند.

یادداشت ۱۵ روزه اول و ۱۵ روزه دوم ماه رمضان ۱۳۲۶

اگرچه اعلان مشروطه داده شده ولی تمام مقصرین پلتیکی را تلف مینمایند و
بهیچوجه اثری از آثار مشروطه هویدا نیست اگرچه بظاهر اعلان کرده و وعده نوزدهم
شوال را داده اند ولی در باغشاه که فعلاً مقرر سلطنت است کسی حق مذاکره و صحبت مشروطه
ندارد و چنین مفهوم میشود که ظاهر سازی میکنند و در باطن مشغول خیال دیگری هستند
زیرا که پادشاه مثل سابق در وحشت است و بهیچوجه خود را ظاهر نمیکند. فقط در این
مدت یکروز را باردوی درشت رفته با هزار گونه احتیاط و یک روز هم بفرح آباد. دور
دروازه و خندق را سوار و پیاده زیادی گذاشتند احتیاطاً پس معلوم میشود که از خودش خاطر
جمع نیست.

مسئله تبریز: کماکان ملت بسر کردگی ستارخان و باقرخان در هر حمله فتح میکنند
و محله مستبدین را که محله سرخاب و دوهچی باشد فتح کرده اند حاجی میرزا حسن آقا و
میرهاشم که سر کرده بودند فراری شده و عجالتاً اردوی عین الدوله پریشان و عقب
نشستند و اغلب سرکردگان مجروحند و سپه دار مستعفی شده خیال رفتن به تنکابن را
دارد. اگرچه امیر اسعد را بجای خودش گذاشت ولی ایشانهم در شرف حرکتند. خلاصه
دولت تاکنون در تبریز کاری پیش نبرده است تا بعد چه شود.

پنجشنبه ۲۷ شوال المکرم ۱۳۲۶ قمری = ۱۳ آبان ماه ۱۲۸۷ شمسی = ۲۹ اکتبر ۱۹۰۸ میلادی
قریب سیصد چهارصد نفر سوار بختیاری را امروز با هزار گونه جلال و احترام وارد
کرده و تمام سوار و پیاده توپخانه حاضر رکاب را باستقبال آنها فرستادند و با شوکت و جلال
تمام آنها را از خیابان چراغ برق وارد کردند و خیال دارند بفرستند به تبریز.

جمعه چهارم شوال المکرم ۱۳۲۶ قمری = ۱۴ آبان ماه ۱۲۸۷ شمسی = ۳۰ اکتبر ۱۹۰۸ میلادی

میرزا محمد خان وکیل الدوله را خیال داشتند سرش را ببرند بعد از وساطت صدر اعظم چوب زیادی زدند و جریمه و تبعیدش کردند و تقصیرش از قرار گرفته خودشان مشروطه طلب بوده و کاغذ به تبریز مینوشتند .

شنبه ۱۲ شوال المکرم ۱۳۲۶ قمری = ۲۲ آبان ۱۲۸۷ شمسی = ۶ نوامبر ۱۹۰۸ میلادی
جمعی از علما و تجار و کسبه را در باغشاه جمع کرده مطابق دستوریکه داده شده بود همه گفتند مشروطه نمیخواهیم و شاه قبول کرد .

یکشنبه ۱۳ شوال ۱۳۲۶ قمری = ۲۳ آبان ۱۲۸۷ شمسی = ۸ نوامبر ۱۹۰۸ میلادی
بعد از چند روز امروز خبر فوت حاجی میرزا حسین، حاجی میرزا خلیل را منتشر کردند ملت از روی ترس و وا همه مجلس ختم گذاشتند و در هر مجلس قزاق و ژاندارم بودند .

جمعه ۱۸ شوال ۱۳۲۶ قمری = ۲۸ آبان ۱۲۸۷ شمسی = ۱۳ نوامبر ۱۹۰۸ میلادی
سید علی یزدی مستبد معروف از وضع و رفتار دولت و شیخ فضل الله متأثر شده بهمراهی سید ابوطالب زنجانی و چند مجتهد دیگر بنای ضدیت را گذاشتند و میگویند ما مخالف مشروطه نبودیم با وضع بد مجلس مخالفت داشتیم و میخواستیم بهتر شود و حال رفتار دولت برخلاف مشروطیت است و بطور سختی مطالبه مشروطیت میکنند دولت بقوه قهریه ساکتشان کرد .

چهارشنبه ۲۳ شوال ۱۳۲۶ قمری = ۳ آذر ۱۲۸۷ شمسی = ۱۸ نوامبر ۱۹۰۸ میلادی
مجددآ در باغشاه مجلسی از تجار و علما کرده و صنایع الممالک نطقی از قبل جمع کرده که مشروطه نمیخواهیم در همان وقت چند نفر بر ضد ایشان گفتند از قول خودت بگونه از قبل ما . دولت یعنی شاه فهمید که مردم ضدیت میکنند و مشروطه میخواهند .

پنجشنبه ۲۴ شوال ۱۳۲۶ قمری = ۴ آذر ۱۲۸۷ شمسی = ۱۹ نوامبر ۱۹۰۸ میلادی
ملتجی شدن امین الضرب بسفارت روس

شنبه ۲۶ شوال ۱۳۲۶ قمری = ۶ آذر ۱۲۸۷ شمسی = ۲۱ نوامبر ۱۹۰۸ میلادی
اعلانی مشعر بر آنکه شاه میخواست اعلان مشروطیت بدهد علما حکم بحر حرمت کردند و تجار و کسبه گفتند نمیخواهیم لهذا شاه بر حسب استدعای آنها مشروطه نمیدهد .
یادداشت یکماهه شوال ۱۳۲۶ قمری .

خیلی بطور وضوح که تقریباً ده روز قبل از واقعه همه کس میدانست که دولت چه خیال دارد باز علماء و تجار و کسبه را در باغشاه جمع کرده و اظهار داشت میخواهیم مشروطه بدهم حضرات مطابق دستور نعل بالنعل رفتار کرده و عریضه ای شیخ فضل الله

داده گفت که مشروطه حرام است و مانمیخواهیم و بعضی از تجار از قبیل حاج اسمعیل آقا حاجی افتخارالتجار، حاجی علی و چند نفر دیگر گفتند مشروطه نمیخواهیم خلاصه شاه قبول کرد که مشروطه نهمین چند روز دیگر که وزراء مختار خارجه (پرتست) کردند که ایران مشروطه معرفی شده و باید مشروطه داده شود مجدداً در باغشاه جمعی جمع کردند صنیع الممالک نطقی از قبل جمع کرده که مشروطه نمیخواهیم در همانجا جمعی برضدش گفتگو کردند از طرف دیگر سید علی یزدی سید ابوطالب زنجانی و چند نفر دیگر ادعای مشروطه طلبی میکنند و شاه بهیچ وجه اعتنائی ندارد و اعلان میکند من میخواهم مشروطه بدهم ملت نمیخواهد .

دوشنبه ۵ ذی قعدة ۱۳۲۶ قمری = ۱۵ آذر ۱۲۸۷ شمسی = سی نوامبر ۱۹۰۸ میلادی
اعلان مبنی بر حرمت مشروطه را بطریقیکه سابقاً تفصیل آن نوشته شده است بدیوارها چسباندند .

سه شنبه ۶ ذی قعدة ۱۳۲۶ قمری = ۱۶ آذر ۱۲۸۷ شمسی = اول دسامبر ۱۹۰۸ میلادی
از غرائب اینکه چند دسته کلاغ سیاه حمله به بیرق سر شمس العماره کرده باوضاع مختلفه آنها را پاره کردند و هر چه از داخل شمس العماره جدا کردند و توق نمودند باز کلاغها مشغول بودند تا قسمت عمده بیرق پاره شد و این فقره موجب تعجب عامه است .

چهارشنبه ۷ ذی قعدة ۱۳۲۶ قمری = ۱۷ آذر ماه ۱۲۸۷ شمسی = ۲ دسامبر ۱۹۰۸ میلادی

سردار افخم و سردار امجد که مأموریت اهالی طالش و گرگان رود را داشتند از اهالی طالش شکست سختی خورده و تعاقبشان کردند و آن دوسردار آمدند .

یکشنبه ۱۱ ذی قعدة ۱۳۲۶ قمری = ۲۱ آذر ۱۲۸۷ شمسی = ۶ دسامبر ۱۹۰۸ میلادی

اهالی خراسان بسرکردگی پسر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی شوریده و مطالبه مشروطه مینمایند بطور سختی و دولت مقهور ملت شده است ،

یادداشت ۱۵ روزه اول ماه ذی قعدة ۱۳۲۶

اوضاع شاه و اتباعش عجلتاً بواسطه بی پولی و اغتشاش ولایات و ایالات بسیار بد است عجلتاً جیره و مواجب نظام را از تفنگ های دولتی میدهند و تمام تیر و تخته و الوار تورخانه را با کاغذ های فشنگ سازی و آتش بازی میفروشند و باهل نظام میدهند و مستبدین که از اول انهدام مشروطه اظهار مسرت میکردند الحال واضحا بدمیگویند و از این نقض عهد شاه بسیار رنجیده و متفکرند و بهیچ وجه بشاه مطمئن نیستند زیرا که داری مسلک نیست .

چهارشنبه ۲۱ ذی قعدة ۱۳۲۶ قمری = اول دی ۲۸۷ شمسی = ۱۶ دسامبر ۱۹۰۸ میلادی

سردار منصور را آوردند بباغ شهاب و بقوه قهریه میخواستند از او پول بگیرند مهلت خواسته بعداً امیر بهادر را گول زده فراراً بسفارت روس متحصن شد .

دوشنبه ۲۶ ذی قعدة ۱۳۲۶ قمری = ۶ دی ۲۸۷ شمسی = ۲۱ دسامبر ۱۹۰۸ میلادی

صدرالعلماء شبانه رفتند بسفارت عثمانی روز دیگر متدرجاً مردم قریب دویست نفر رفتند و در دفتر اسم خودشان راثبت کردند و مطالبه مشروطه میکنند سیدعلی یزدی با دویست سیصد نفر در حضرت عبدالعظیم رفته مشروطه میخواستند و جوش و خروش در میان مردم هست تا نتیجه چه شود (روس و انگلیس از رفتن مردم بسفارت دلتنگ شدند) . علما و تجار باجمعی از مردم بسفارت عثمانی پناهنده شدند . ژاندارم مانع از ورود میشود .

پنجشنبه ۲۹ ذی قعدة ۱۳۲۶ قمری = ۹ دیماه ۲۸۷ شمسی = ۲۴ دسامبر ۱۹۰۸ میلادی

منع ورود آذوقه بسفارت عثمانی . بعد از ظهر قدغن ورود آذوقه را برداشتند ولی بستختی مانع از دخول مردم هستند و بهیچوجه نمیگذارند کسی داخل سفارت شود و قریب هفتاد و هشتاد نفر راهم گرفته اند . دولت روس و انگلیس جداً بشاه صحبت و اظهاراتی راجع بامنیت عمومی میکنند میگویند امنیت حاصل نخواهد شد مگر با دادن مشروطه و باید حتماً مشروطه داده شود و شاه وعده کرده ولی باز سر میگرداند .

چهارشنبه ۶ ذی حجه ۱۳۲۶ قمری = ۱۵ دی ماه ۲۸۷ شمسی = ۳۰ دسامبر ۱۹۰۸ میلادی

تمام بازارها و کاروانسراهای حاجی حسن و تیمچه حاجب الدوله بسته مطالبه مشروطه میکنند بیشتر از دکاکین بازار تاظهر بسته شد ولی بقوه قزاق و ژاندارم اغلب دکانها را باز کرده و قزاقها را در سر بام بازار مراقب نگاهداشته اند . شیخ فضل الله هر روز بیک مکان رفته و برضد مشروطه گفتگو میکند و عریضه بشاه نوشته و فرستاده اند که مشروطه حرام است . صنایع الدوله و چند نفر دیگر انجمن کرده و لایحه نوشته مهر کردند که اسباب نجات ایران مشروطه است شخصاً برده پیش شاه بعد از خواندن خود شاه تصدیق کرده .

پنجشنبه ۷ ذی حجه ۱۳۲۶ قمری = ۱۶ دی ۲۸۷ شمسی = ۳۱ دسامبر ۱۹۰۸ میلادی

جمعی از بختیارها و رنجیده در خیابان فتحها بشاه داده و از شهر خارج شدند .

جمعه ۸ ذی حجه ۱۳۲۶ قمری = ۱۷ دی ۲۸۷ شمسی = ۱ ژانویه ۱۹۰۹ میلادی

انقلاب اصفهان بواسطه آنکه اقبال الدوله بنای اجحاف را گذاشته و مردم در مسجد جمع شدند و اقبال الدوله حکم کرده مسجد را توپ بستند و بازارها را غارت کردند .

سوار بختیاری ولر بكمك اهالی شهر آمده اقبال الدوله در قنسول خانه انگلیسی ملتجی شد.
جمعه ۱۵ ذی حجه ۱۳۲۶ قمری = ۲۴ دی ۱۲۸۷ شمسی = ۸ ژانویه ۱۹۰۹ میلادی
شیخ فضل اله چون در کمال جسارت بر ضد مشروطه حرکت میکرده جوانی کریم نام
بسن پیست و دو سال بشغل دو اتگری در ساعت دونیم از شب گذشته که شیخ از منزل ظهیر -
الاسلام مراجعت میکرد دو تیر باوزدولی کاری نشد يك تیر بدست میرزا حاجی آقا خورده
سخت مجروح شد .

سه شنبه ۱۹ ذی حجه ۱۳۲۶ قمری = ۲۸ دی ۱۲۸۷ شمسی = ۱۲ ژانویه ۱۹۰۹ میلادی
رفتن بختیاریه باصفهان باجمعی سوار و پیاده و توپخانه ولی از قم خارج نمیشوند.
شنبه ۲۳ ذی حجه ۱۳۲۶ قمری = ۲ بهمن ۱۲۸۷ شمسی = ۱۶ ژانویه ۱۹۰۹ میلادی
استعفای موتمن الملك و نصب مهندس الممالک
دوشنبه ۲۵ ذی حجه ۱۳۲۶ قمری = ۴ بهمن ۱۲۸۷ شمسی = ۱۸ ژانویه ۱۹۰۹
میلادی

شکست خوردن صمدخان شجاع الدوله سردار مقتدر از ستارخان در تبریز
جمعه ۲۹ ذی حجه ۱۳۲۶ قمری = ۸ بهمن ۱۲۸۷ شمسی = ۲۲ ژانویه ۱۹۰۹ میلادی
استخلاص مستشار الدوله از باغ شاه . مرگ یا قتل حاجی خماسی در رشت .
یادداشت یکماهه ذی حجه الحرام ۱۳۲۶ قمری

عجالتاً اوضاع شاه بسیار مغشوش و بد است و از هر جا که میخواهند پول بگیرند میسر
نمی شود . در ماه قبل تمام قورخانه و ذخیره را فروختند در صورتیکه مستبدین که دور شاه
را گرفته باید همراهی کنند بازار فروش قورخانه مبلغی نایب السلطنه و سایر رجال و ارکان
مداخل کردند از آن جمله الوارها را بقیمت سر تخته خرورای چهار تومان خریدند و حال آنکه
الوارها دانه ای هشت پانه تومان فروختند هکذا سایر تفنگها را یکی دو قران از دولت
خریدند و چهار قران فروختند خلاصه مستبدین بانواع و اقسام مشغول غارت دولت و ملت
هستند . حاکم تهران اغلب مردم را شبانه دستگیر مینماید بعد از اخذ پول مرخص مینماید
و اغلب وزراء به میل یا بعنف استعفاء میدهند چنانچه مشیر الدوله استعفاداد و نظام الملك
را بوزارت عدلیه منصوب کردند و موتمن الملك استعفاء نموده و مهندس الممالک را
انتخاب کردند خلاصه وضع دولت بد است .